

کاوشی در اعتبار سندی، متنی، محتوایی و تاریخی عبارت منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله « موتوا قبل أن تموتوا »

سید محمدجواد سیدشیری^۱

چکیده

عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» حدیث مرسلی است که بیشتر نزد عارفان شهرت یافته و مورد استناد آنها قرار گرفته و مبنای شکل‌گیری مفهوم «مرگ ارادی» در آثار آنان شده و در ادبیات عرفانی اسلامی دارای جایگاه ویژه‌ای شده است. این روایت گرچه به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نسبت داده شده ولی از سویی برخی معتقدند ساخته صوفیه است، در این پژوهش که با روش تحلیلی و رویکرد کتابخانه‌ای صورت گرفته، تلاش شده است بر مبنای قواعد فهم و نقد حدیث، صدور یا عدم صدور آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله روشن گردد. نگارنده ضمن تحلیل محتوا و فهم مراد و تفاسیر از این حدیث، در مقام اثبات این نتیجه بر آمده که گرچه کلیت متن آن، قابل پذیرش بوده و با معارف قرآنی و روایی سازگاری دارد، لیکن بررسی‌های منبع‌شناسانه، واکاوی‌های محتوایی، تحلیل‌های تاریخی و نیز بروز نشانه‌های تحریف و تصحیف در متن آن، اعتبار بلکه حتی در حدیث بودن این عبارت نیز تردید جدی ایجاد می‌کند.

کلید واژه‌ها: اعتبارسنجی محتوایی، حدیث عرفانی، تجرید روح، مرگ ارادی، قرائن و شواهد صدور

^۱ . استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان. مشهد، پژوهشگر فقه تخصصی مدرسه عالی فقاها. smjssh.montazer@gmail.com

طرح مسأله

حدیث « موتوا قبل ان تموتوا » یکی از مستندات روایی محدثان، مفسران و به ویژه عارفان در بحث موت اختیاری است. بنابراین در متون اخلاقی و عرفانی (قیصری، ۱۳۷۵ش، ص ۵۳۴؛ فناری، ۱۳۷۴ش، ص ۲۴۸؛ نسفی، ۱۳۶۳ش، ص ۱۳۰) تفسیری (کاشانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۶۹۱؛ سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۸۵) و گاه در کتاب‌های فلسفی (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴ش، ص ۴۲۲) و حتی لغوی (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۹، ص ۱۴۷) و ادبی (ختمی لاهوری، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۲۶۶)^۱ به چشم می‌خورد. این حدیث به حوزه شعر نیز راه یافته و شاعران بسیاری در اشعار خود از آن بهره برده‌اند. (ر.ک فیض کاشانی، ۱۳۸۰ش، ج ۲۳۷، ۲۳۶؛ سنایی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۶؛ فضولی بغدادی، بی‌تا، ص ۱۵۱؛ لاهیجی، ۱۳۷۱ش، ص ۳۵۲)^۲ و حتی در شرح آن، تألیف مستقل نیز نوشته شده است.^۳

سؤال اینجاست که با توجه به عدم وجود این عبارت در منابع روایی اصیل، آیا تلقی نویسندگان مذکور از آن با عنوان «حدیث» صحیح است یا خیر؟ در این نوشتار برآنیم با توجه به قواعد فهم و نقد حدیث و نیز ارزیابی تاریخی، میزان اعتبار این روایت نبوی را که به رغم شهرت و کاربرد فراوان، هیچ سندی برای آن ذکر نشده بررسی کنیم.

۱. پیشینه پژوهش

البته پژوهش‌های انتقادی در اینگونه احادیث دارای سابقه است و به صورت جزئی پیش از این، مقاله‌ای با عنوان «اعتبارسنجی حدیث موتوا قبل ان تموتوا» درباره‌ی این حدیث واره نوشته شده (۱۳۹۸ش، زاهدی‌فر) لیکن نوشته مزبور از یکسو از نظر فحص کاستی بسیاری دارد و از سوی دیگر، نکات متعددی از آن، قابل نقد است که در طول نوشتار حاضر به آنها اشاره می‌شود، و در مجموع، پژوهش حاضر روشی ابتکاری و جامع را ارائه می‌دهد که از توجه به مجموعه‌ی ضابطه‌های نسخه‌شناسی، سندی، متنی، تاریخی، محتوایی، تفسیری و معیارهای مضمونی حاصل می‌شود که در هیچ یک از پژوهش‌های مشابه در انتقاد احادیث مورد توجه نبوده است.

۲. بررسی منابع و اسانید روایت در متون حدیثی شیعه

روایت مرگ اختیاری در هیچ‌یک از منابع حدیثی معتبر و متقدم شیعی ثبت نشده است. در آثار متأخر نیز، این حدیث با عباراتی چون «ما رُوي عنه»، «فی الحدیث»، «فی الحدیث المشهور» و گاه با تعبیر «کما قيل» نقل شده است و در هیچ کدام از آنها، سندی برای آن ذکر نشده است. در برخی از این متون، این سخن به امام علی (علیه السلام) نسبت داده شده است، اما این انتساب نیز فاقد پشتوانه‌ی سندی قابل اعتماد می‌باشد. (عبدالوهاب، ۱۳۹۰ق، ص ۷، گیلانی، ۱۳۷۷ش، ص ۵، ۴۶۵، ۵۹۱، ابن

^۱ شرح غزل ۴۲۳، به مژده جان به صبا داد شمع در نفسی ز شمع روی تو اش چون رسید به پروانه

^۲ این بحث به تأسی از مولوی در اشعار گوته، شاعر آلمانی نیز راه یافته است. (ر.ک سرنی، ج ۲، ص ۸۹۸)

^۳ «میر محمد فائق الاسترومجه وی» عارفی رومی است که در زمینه عقاید اسلامی تألیفات متعددی دارد. از جمله «شرح حدیث موتوا قبل ان تموتوا» اسماعیل پاشا بغدادی در کتاب خود «هدیه العارفین» (ج ۱۱، ص ۱۱۵) و عمر کحالة در «معجم المؤلفین» (ج ۲، ص ۳۹۷) از این تألیف نام برده‌اند.

ابی جمهور، ۱۳۸۷ش، ص ۲۲۸، ۴۰۸ و در بعضی از آثار نیز بدون اسناد به معصوم (علیه السلام) از آن یاد شده است. (بیهقی نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۱۵۰، نصیر الدین طوسی، ۱۳۳۵ش، ص ۱۶)

برخی از شارحان کتب حدیثی نیز در موارد متعدد به این حدیث استشهاد کرده‌اند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۳۵۹؛ مازندرانی، ۱۳۸۲ش، ج ۶، ص ۱۳۷)

۳. بررسی متن شناختی و سیر تطوّر تاریخی نقل روایت در منابع کهن حدیث اهل تسنّن

همچنین حدیث مورد بحث با این عبارت در هیچ یک از کتب حدیثی متقدم اهل تسنّن نیامده است. به نظر می‌رسد از میان منابع اهل سنت، قدیمی‌ترین کتابی که این روایت را نقل کرده، «العرف العاطر فی معرفة الخواطر و غیرها من الجواهر» یا «تقسیم الخواطر» نوشته روزبهان بقلی (م ۶۰۶) است. (۱۴۲۸، ص ۲۰۹)

البته قبل از او ظاهراً ابن ودعان (م ۴۹۴) نخستین بار روایتی مشابه عبارت این حدیث را به صورت «توبوا قبل ان تموتوا و بادروا...» آورده (الأربعون، ص ۴) که این احتمال وجود دارد که متأثر از او بوده است. (غزالی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴) هرچند قبل‌تر از این‌ها صورت مفصل‌تری از آن حدیث مشابه به صورت «توبوا الی الله قبل ان تموتوا و بادروا...» یا «توبوا الی ربکم قبل ان تموتوا و بادروا...» وجود داشته که پیش از همه در رسالة المسترشدين محاسبی (م ۲۴۳) (ص ۱۱۲) و منتخب مسند عبدبن حمید (م ۲۴۹) (۱۴۰۸، ص ۳۴۴) دیده می‌شود و پس از آن، به کتابهایی مانند سنن ابن ماجه (م ۲۷۳) (۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۳۴۳)، مسند ابی یعلیٰ م ۳۰۷ (ج ۳، ص ۳۸۲)، مسند عمر بن عبدالعزیز (م ۳۱۲) (۱۴۰۴ق، ص ۱۷۲) راه یافته است.

۴. دآوری حدیث شناسان شیعه درباره اصالت، شهرت، اعتبار و تطوّر متن حدیث

در این بخش، مواردی از ارزیابی‌های حدیث‌شناسان شیعی درباره این روایت را بررسی می‌کنیم که عمدتاً بر سه محور تأکید دارند:

الف: توجه به ارسال،

ب: فقدان سند حدیث،

ج: حکم به موضوع بودن آن.

بعضی این گونه بیان داشته‌اند که «این جمله در کتب اهل عرفان به عنوان حدیث مشهور شده و بعضی از محدثین آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند. لیکن به صورت مسند در جوامع روایی وارد نشده است». (سبزواری، ۱۴۲۱ق، ص ۱۷۹) گروهی بر این باورند صوفیان این جمله را حدیث می‌پندارند. (گوهرین، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۳۶۷) بعضی، از آن با عنوان عبارت **حدیث گونه** نام برده (زرین کوب، ۱۳۶۴ش، ص ۱۹۸) و برخی دیگر آن را به حکمای صوفی مشرب اسناد

داده اند. (غیاثی کرمانی، بی تا، ج ۱۳، ص ۷) بعضی از پژوهشگران عرصه حدیث نیز بر این باورند اصل حدیث، «تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» بوده و عرفا آن را به شکل «موتوا قبل ان تموتوا» درآورده اند. (زاهدی فر، ۱۳۹۸، ص ۲۲۹)

۵. دآوری حدیث شناسان اهل تسنن درباره صحت و ضعف حدیث

ابن حجر عسقلانی، از حدیث شناسان برجسته اهل سنت، درباره این روایت بیان کرده است که «هو غیر ثابت» (۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۹۸). همچنین عجلونی در «کشف الخفاء» از قاری نقل کرده است که «هو من کلام الصوفیه» (عجلونی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۱)

برخی دیگر از نویسندگان عامه این حدیث را در کتب متعددی که در باب احادیث موضوعه نوشته شده اند، آورده و غالباً بدون هیچ گونه اظهار نظری سخن ابن حجر را نقل کرده اند. (قاوقچی، ۱۳۳۱ق، ج ۱، ۲۰۴؛ هروی قاری، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۸؛ امیر مالکی، ج ۱، ص ۱۲۵)

البته تعبیر عسقلانی به «غیر ثابت»، گرچه به معنای نسبت وضع نیست، ولی به یقین از ضعف حکایت می کند. (ر.ک رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۶۵) و همچنین نسبت به نقل عجلونی باید توجه داشت که امروزه نزد پژوهشگران عرصه حدیث در جعل برخی احادیث از سوی جاهلان از اهل تصوف شکی وجود ندارد، (همان، ص ۱۱۸) و در صورتی که کلامی با عنوان «حدیث» مشهور شده و به سخنان صوفیه شبیه باشد ولی در منابع اصیل حدیثی وجود نداشته باشد و فقط در کلمات اهل تصوف رونق داشته باشد، بدون شک ظن به وضع آن حاصل می شود، لیکن در این مسیر می بایست نهایت دقت و حوصله حاصل شود تا بدون فحص کامل و بالغ، به موضوع بودن روایتی حکم نکنیم، هرچند این گونه قضاوت های شتاب زده و نادرست در آثار بعضی از عالمان و صاحب نظران عرصه حدیث به ویژه عالمان اهل تسنن (ر.ک همان، ص ۲۷۲-۲۷۴) و گاه غیر آنان نیز کم و بیش وجود دارد. (ر.ک همان، ص ۲۵۲-۲۵۳)

۶. بررسی محتوایی حدیث و برداشت های وابسته به اندیشه های عرفانی

عارفان، اخلاق پژوهان و مفسرانی که آثارشان رنگ و بوی عرفانی دارد، عموماً در مباحث نفس هنگام طرح موضوع «مرگ اختیاری» و مبارزه با نفس اماره، به این روایت استناد نموده اند. در متون عرفانی و اخلاقی، این حدیث به عنوان سند یا پشتوانه ای برای تبیین مفهوم «مردن پیش از مرگ طبیعی» مورد استشهد قرار گرفته است.

این اقبال گسترده از حدیث مذکور در میان صاحبان مکتب تصوف و نویسندگان حوزه سیر و سلوک، نشانگر تأثیر عمیق این روایت - صرف نظر از میزان اعتبار سندی آن - در شکل گیری یکی مفاهیم عرفان اسلامی است. با این حال، همین شهرت و کاربرد گسترده در متون عرفانی، خود می تواند به عنوان یکی از قرائن تأییدکننده نظر کسانی باشد که این حدیث را ساخته و پرداخته ی صوفیان می دانند.

در نگاه عارفان و اهل سلوک اصطلاحی، «مرگ اختیاری» به معنای مقابله با نفس اماره و تسلط کامل بر آن است که - بر اساس اعتقاد ایشان - نخستین گام در مسیر بندگی (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۶۲) و بنیادی‌ترین تکلیف سالک محسوب می‌شود. در متون عرفانی، رهایی از قید تعلقات نفسانی و خودپرستی‌ها تحت عنوان «مرگ ارادی» یا «تجرّد اختیاری» توصیف شده است. عرفا معتقدند این نوع مرگ ویژه‌ی رهروان طریق الهی است که آگاهانه آن را برمی‌گزینند و بارها می‌میرند و حیات می‌یابند. این دیدگاه در اندیشه‌ی صوفیان چنان نهادینه شده که اکثریت قاطع آنان دستیابی به این مقام روحانی را هم فضیلتی بزرگ و هم امری ممکن می‌دانند. (معمدی، ۱۳۷۹ش، ص ۷۸)

عارفان بر این باورند که هدف اصلی تعالیم اخلاقی، هدایت انسان به سوی شکستن آگاهانه قفس تن پیش از آن است که مرگ طبیعی او را از این جهان بدر برد. از دیدگاه ایشان، اگر سالک با اختیار خویش از این قفس رها شود، به آزادی مطلق دست یافته و به هر مقامی که بخواهد خواهد رسید زیرا در غیر این صورت او را به قفس دیگری خواهند برد (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ج ۲۴، ص ۵). در این نگاه، مرگ اختیاری نه یک اسارت جدید، بلکه دروازه‌ای به سوی آزادی بی پایان است (معمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۸). چنین انسان سالکی از حسرت‌های پس از مرگ رهایی یافته و به حیاتی پاک و جاودانه در جوار پروردگار رحمان نائل می‌آید (ابن میثم، ۱۴۰۸، ص ۵). بدین سان، مرگ اختیاری نشانه آزادگان راستین است، حال آنکه مرگ اجباری سرنوشت غفلت زدگان است؛ اولی رجوع به وصال است و دومی رجوع به فراق است. (خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۰۲)

پیروان این اندیشه معتقدند مفاهیم قرآنی نیز به این حقیقت تأکید دارد به این گونه که انسان می‌تواند پیش از مرگ طبیعی، با طی مسیر تهذیب نفس شامل توبه، انابه و مهار شهوت و غضب^۲، به مرگ اختیاری دست یابد (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۱۰). به بیان دیگر، تلاش مستمر برای تحقق این مرگ اختیاری و تولد دوباره در عالم معنوی، به منظور رسیدن به حیات ابدی، اساسی‌ترین مرحله در مسیر سلوک محسوب می‌شود (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۵۱). در این دیدگاه، حقیقت تهذیب اخلاقی جز از طریق مرگ ارادی حاصل نمی‌گردد (میرزا بابا شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۰) و موفقیت در ترک باطل و پیروی از حق، تنها از این مسیر امکان‌پذیر است. (نجم‌الدین رازی، ۱۳۶۱، ص ۳۶۴).

۷. اعتبارسنجی محتوایی حدیث و ارزش گذاری تأثیرگذاری آن بر نظریه «مرگ ارادی»

به نظر می‌رسد محتوای کلی این حدیث - فارغ از بررسی تطابق آن با قرآن، روایات و اصول عقلی - چنان با فطرت پاک انسان همخوانی دارد که هر قلب سلیمی آن را تصدیق می‌کند. وجدان آدمی گواهی می‌دهد که با رهایی روح از وابستگی‌های دنیوی، تمایلات نفسانی و شهوات حیوانی پیش از فرا رسیدن مرگ طبیعی، می‌توان در همین دنیا با از بین بردن حجاب‌های روحی^۳، پروردگار را مشاهده کرد. چنین بنده‌ای نه منفعلانه در انتظار مرگ می‌نشیند، بلکه با اختیار کامل به استقبال آن

^۱ اثر این نویسنده، «زندگی در زندگی» نام دارد و موضوع آن، اساساً تحلیل موت اختیاری و نقد و تطبیق آن در مثنوی‌های عطار است.

^۲ شایان ذکر است که گرچه در متون دینی به کشتن شهوت یا نفس توصیه شده، ولی مراد از این گونه تعابیر، مهار شهوت و تمایلات حیوانی است و این چیزی است که حتی اگر مورد تذکر عالمان و اهل معرفت قرار نمی‌گرفت، عقل انسان خود به آن گواهی می‌داد.

^۳ برخی از عارفان با استناد به روایات (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۱۰؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۳۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۳۹) حجاب‌های روحی را به حجاب نورانی و ظلمانی تقسیم کرده و تفسیرهای متعددی از آن دو ارائه کرده‌اند. (برای نمونه: ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۱، ص ۵۹۰)

می‌رود. این مرگ آگاهانه، در حقیقت طلّیعه‌ای است برای حیاتی اصیل که در آن، لذت واقعی زیستن را تنها کسی می‌چشد که از دغدغه‌ی مرگ اجباری رها شده است. در مقابل، کسانی که اسیر و هراسان از مرگند، چه بسا برای فرار از این اضطراب، به سراب دنیا پناه می‌برند و غرور ناشی از مواهب مادی، آنان را گام به گام در ورطه‌ی غفلت فرو می‌برد. چنانکه برخی عرفا نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند که اشتیاق به مرگ اختیاری، خواسته‌ای فطری است و انسان باید با رغبتی عاقلانه و شوق عقل و اختیاری کامل در طلب آن باشد (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹، ص ۶۶۶).

با همه این اوصاف، این گونه از معتضدات و شواهد بر اساس مطابقت مضمونی، تا وقتی که مورد تأیید بررسی‌های تاریخی قرار نگیرد، نمی‌تواند راه اثبات صدور یک حدیث را هموار کند. از سوی دیگر، با توجه به آنچه عالمان و عارفان اسلامی در مورد دلالت حدیث گفته‌اند، نمی‌توان پذیرفت جمله «موتوا قبل أن تموتوا» هیچ معنای واضح و صریحی ندارد، آنچنانکه برخی این نکته را مطرح کرده‌اند. (زاهدی فر، ۱۳۹۸ش، ص ۲۲۹) نویسنده مزبور، دلالت عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» از نگاه عارفان را به گونه‌ای نقد کرده که گویا آنچه آنان از آن فهمیده‌اند از اساس قابل نقد است، در حالی که با توجه به قرائن متعدد قرآنی و روایی که البته به طور مستقل می‌بایست مطرح و بررسی شود، سخن عارفان اسلامی در بحث موت اختیاری، واضح، معقول و قابل پذیرفتن است، گرچه با توجه به بررسی‌های سندی صورت گرفته که در ادامه خواهد آمد، باید گفت حدیث دانستن عبارت مزبور، اشتباهی است که مکرر در نوشته‌های آنان به چشم می‌خورد و در نتیجه‌ی آنچه در دانش عرفان اسلامی مبتنی بر این حدیث گفته و پرداخته شده است، ثابت نمی‌شود.

به عبارت دیگر: اگرچه کلیت مضمون این عبارت به معنای مخالفت با شهوات نفسانی تا حدودی مطابق با قرآن و سنت است ولی نمی‌توانیم آن را به همان گستره‌ای که این عبارت بیان کرده است، بپذیریم زیرا در متون اصیل دینی فقط مخالفت با میل نفسانی به محرمات ستوده شده است و مخالفت با میل نفس معیار اصلی قرار نگرفته است، درحالی که عرفا مبتنی بر این دسته از احادیث در مورد عارفان واصل و حقیقی، گفته‌اند: «موت ارادی» نه تنها به معنای مخالفت با نفس و جهاد اکبر محقق شده، بلکه به معنای خاص خود یعنی جداکردن روح از بدن نیز به وقوع پیوسته و حتی برخی معتقدند موت اختیاری برای افرادی که ریاضت می‌کشند، فضیلت مسلم و پیش پا افتاده‌ای است. (مطهری، ۱۳۸۹ش، ج ۷، ص ۳۱۶)

بر اساس گفته برخی دیگر: بعضی در رسیدن به معرفت و شهود عرفانی تا آنجا پیش رفته‌اند که چنان که ما لباس خویش را از بدنمان خارج می‌سازیم، آن‌ها با اختیار و اراده، روح خویش را از بدن خود خارج می‌سازند و تا مدتی بدن بدون روح باقی می‌ماند و مجدداً روح خویش را به بدن بر می‌گردانند! به این تصرف و جدا ساختن روح از بدن «مرگ اختیاری» گفته می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۷۳)

به تعبیر برخی بزرگان، اگر وجود چنین حالتی را هرچند برای يك نفر (که طبق نقل‌های مطمئن اتفاق افتاده است) ممکن دانستیم جای هیچ گونه شك و شبهه‌ای باقی نخواهد گذارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ش، ص ۳۳، نیز ر.ک انصاریان، ۱۳۸۷ش، ص ۲۱۱)

بنابراین گرچه بر اساس آنچه گفته شد و در ادامه نیز بیان خواهد شد، نمی‌توان پذیرفت عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» حدیث باشد، لیکن مفهوم ویژه و مضمون خاص آن هم، امری متفاوت از راه‌های تهذیب نفس مسلم شرعی - مثل تقویت اراده در صبر بر طاعت، توبه و انابه از حرام‌ها و امانه‌ی غضب، حسد، شهوت در غیر مسیر مجاز آنها - است بلکه اگر به معنای خاص

خود نزد عرفا یعنی تفکیک روح از بدن باشد - اگرچه قبول کنیم در عالم خارج ممکن باشد و محقق شده است - ، ولی قطعاً شاهدی از قرآن، سنت، عقل و فطرت بر فضیلت انگاری آن ندارد.

۸. روش شناسی تحلیل مضمونی برای جبران ضعف سندی

با توجه به آنچه گفته شد، ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا در مورد روایت مذکور، می توان مطابقت کلیت مضمون حدیث را با قرآن و سنت، عقل و فطرت، جبران کننده ضعف سندی آن دانست یا خیر؟

باید گفت قوت و درستی سند تنها یکی از شیوه ها و گاه تنها یکی از قرینه ها برای حکم به اعتبار و بی اعتباری روایت است و در بررسی اعتبار صدور روایات، توجه به متن و اتقان محتوای حدیث، اهمیت زیادی در میزان اعتبار آن دارد؛ به گونه ای که این مهم یکی از راههای اثبات صدور حدیث نیز محسوب می شود.

روشن است که به کارگیری این شیوه، به ویژه زمانی از ضرورت بیشتر برخوردار است که راه ارزش گذاری سندی و رجالی حدیث به طور کامل مسدود شود. محققان شیعه و نویسندگان اهل تسنن نیز تا حدودی در به کارگیری این شیوه برای شناسایی احادیث موضوع هم عقیده اند زیرا در این روش، می توان از راه قرائن متن و مضمون، ضرورت یا عدم ضرورت صدور حدیث را به دست آورد و درباره آن داوری کرد و بر این اساس بسیاری از حدیث شناسان و مجتهدان بزرگ شیعه از دیرباز به اصل اعتباربخشی در پرتو مضمون شناسی و متن، عنایت کامل داشته اند. (ر.ک: ایزدپناه، عباس، « اثبات صدور حدیث از طریق مضمون شناسی و متن ») و توجه به بلندی محتوا در کلام آنان نقش تعیین کننده ای در این زمینه داشته است. (امام خمینی، ۱۳۷۱ش، ص ۱۷۰)

همچنین ممکن است گفته شود برای اعتبارسنجی این قبیل روایات، می توان به احادیثی استناد کرد که می فرمایند «اگر حدیثی به شما رسید و در برابر آن آرامش دل یافتید، بپذیرید و چنانچه قلبتان از آن رمید و آن را نا آشنا یافتید، به خدا، پیامبر و عالم آل محمد صلی الله علیه و آله واگذارش نمایید». (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۱، احمد بن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۴۹۷)

۹. بررسی معیارهای مطابقت مضمون برای اعتبار حدیث مرگ اختیاری

لیکن به نظر می رسد درباره ی حدیث «مرگ اختیاری» نمی توانیم از معیارهای مطابقت مضمونی برای اثبات صدور و جبران ضعف سندی، بهره مند شویم؛ زیرا همانطور که در مستندات روایی این روش بیان شده است: «اگر حدیثی به شما رسید...»، تا هنگامی می توان از ملاک گفته شده بهره گرفت که حدیث بودن کلام، اثبات شده باشد و سپس در پذیرش معنای آن، تردیدها یا نقدهایی مطرح باشد.

بنابراین ناگفته پیداست که مفهوم این قبیل از روایات، این نیست که هر جمله ای که به معصوم علیه السلام منسوب شود، با ادعای گواهی قلب به صحت آن، لباس حدیث بر قامتش دوخته شود، زیرا در این صورت، زمینه برای ورود انواع آفات به حوزه حدیث بسیار باز خواهد شد. (ر.ک نصیری، ۱۳۹۰ش، ص ۲۸۷-۲۸۹)

به همین دلیل، انتساب جمله ای که از لحاظ متن و سند، با معیارهای صحت روایت همخوانی ندارد، ولی مفهوم آن دلپذیر است و به جان می نشیند به معصوم علیه السلام، قضاوتی نادرست است که البته برخی حدیث شناسان به آن مبتلا شده‌اند. (به عنوان نمونه ر.ک: همان، ص ۲۸۱-۲۸۴)

بنابراین منظور از این روش برای اثبات صدور و مراد این دسته روایات می تواند آن باشد که اگر سخنی منتسب به معصوم علیه السلام، تمام شرایط صحت حدیث مانند عدم تعارض با آیات قرآن، روایات، عقل و... را دارا بود و در عین حال سند ضعیفی داشت، موافقت با قلب سلیم را می توان یکی از مؤیدات در حکم به صحت آن دانست، چون بدیهی است که معیار گواهی قلب، به تنهایی در اثبات صدور حدیث از معصوم علیه السلام، کاربرد نهایی را ندارد، زیرا در این صورت به راحتی می توان به قامت بسیاری از عبارات زیبا و دلکشی که با مبانی قرآنی، روایی و عقلی سازگار است، لباس حدیث دوخت.

۱۰. مقایسه رویکرد عرفا و فقیهان در روش تحلیل مضمونی برای اعتبار حدیث

با همه این اوصاف، گفتنی است که این معیار گرچه به «مقبولیت» نزد عرفا مشهور گشته و بسیار از آن استفاده کردند (ر.ک: موسوی، «فقه الحدیث از دیدگاه عرفا») لیکن مورد استفاده دیگران هم قرار گرفته ولی روش عرفا در مقام عمل به طور کامل متفاوت است با آنچه برخی فقها و حدیث شناسان به نام «مقبولیت» از آن بهره گرفتند.

به عنوان نمونه برای اثبات صدور بر اساس تحلیل مضمونی نزد مجتهدان می توان به شیخ انصاری که سرآمد آنان به شمار می رود، اشاره کرد، ایشان در مواردی روایاتی را صحیح دانسته که طبق تصریح دیگر علما ضعیف السند است. به صورت روشن، می توان به حدیثی اشاره کرد که ابن شعبه حرانی در باب تفسیر انواع ولایت در کتاب «تحف العقول» نقل کرده و شیخ انصاری در ابتدای کتاب مکاسب بدان استناد کرده است. (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۴)

با توجه به این تفاوت، به نظر می رسد مقایسه عبارت «موتوا قبل ان تموتوا» با حدیث تحف العقول و دیگر موارد، نادرست و ناکافی است، این ناکارآمدی مقایسه از آنجا ناشی می شود که شیخ انصاری حدیث مذکور را با مضامین احادیث «باب مکاسب و ولایات» هم مضمون می داند، به تعبیر دیگر، از ملاک مهم «عرضه مضمونی حدیث با احادیث قطعی» بهره گرفته است. در رابطه با عبارت مورد بحث ما نیز چنانچه روایاتی قطعی الصدور از معصومین علیهم السلام در دست باشد که بتوان به واسطه آنها، به این یقین رسید که جمله «موتوا قبل ان تموتوا» از معصوم علیه السلام صادر شده، شاید بتوان به حدیث بودن آن اذعان کرد، ولی اشکال اول این است که همانطور که گذشت اصل حدیث بودن این عبارت بر اساس منابع حدیثی معتبر ثابت نشده است؛ و اشکال دوم هم این است رویکرد عرفا در روش به کارگیری تحلیل مضمونی حدیث بر اساس گواهی قلبی، قابل اثبات نیست و نتیجه هایی دارد که التزام پذیر نیست. اشکال سوم هم - که در ادامه بررسی خواهیم کرد - اینکه بر اساس رویکرد صحیح در روش تحلیل مضمونی، هیچ شاهد معتبر و قطعی در متون دینی برای موافقت با آن یافت نمی شود، و در نتیجه نمی توانیم راهی برای پذیرش آن هموار سازیم.

۱۱. نگاهی به برخی قرائن احتمالی صدور روایت از آیات و روایات

با توجه به آنچه در روش شناسی تحلیل مضمونی برای جبران ضعف سندی اشاره شد و رویکرد عرفا و فقیهان در این زمینه مورد مقایسه قرار گرفت؛ به این ادعا رسیدیم که بر فرض این عبارت را حدیث بدانیم و بخواهیم بر اساس رویکرد صحیح در

روش تحلیل مضمونی آن را مورد بررسی قرار دهیم، هیچ شاهد معتبر و قطعی در متون دینی برای موافقت با آن یافت نمی شود، و در نتیجه اعتباری برای آن ثابت نیست.

به همین منظور در ادامه مقاله، برخی^۱ از مؤیدات قرآنی یا روایی مطرح در این باب را، بررسی و البته نقد خواهیم کرد:

۱-۱۱. استشهاد به موافقت با آیات قرآنی

بعضی معتقدند یکی از اصلی ترین مستندات صوفیه در بحث موت اختیاری، تفاسیر قرآنی ای است که توجه دقیقی به نکات ظریف، اشارات و کنایات دارند (چیتیک^۲، ۱۳۸۲ش، ص ۲۰۹) که در اصطلاح خاص خود تفسیر انفسی آیات گفته می شود. از مهم ترین آیاتی که این مطلب از آن استفاده شده، آیه شریفه «فَتَوْبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» بقره/۵۴ است که در بحث مرگ ارادی، مورد استناد برخی مفسران قرار گرفته است. (آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۰۲)

نمونه دیگر آیه شریفه «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً...» بقره/۶۷ است. (ر.ک نجم الدین رازی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۲) به این معنا که ذبح بقره را اشاره به ذبح نفس حیوانی دانسته اند، چرا که اگر آدمی تعلقات نفسانی خود را زیر پا نهد، قلبش به حیاتی روحانی زنده خواهد شد و این همان معنای «موتوا قبل ان تموتوا» است. برخی از پژوهشگران حوزه تفاسیر عرفانی، چنین نظری را جزء تأویل های ذوقی صرف برشمرده اند. (قاسم پور، ص ۳۳۱) در حالی که برخی دیگر معتقدند این معنا جزء برداشت های دلکشی است که روح انسان را در دنیاها و دیگر به پرواز در می آورد. (شاهرویدی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۸۹)

گرچه این گونه از برداشت های قرآنی که از آنها با عنوان «تأویل» یاد می شود و نه تفسیر، دارای اصول و مبانی پذیرفته شده ای می تواند باشد^۳، لیکن از آنجا که اصل مبحث از موضوعات اختلافی است و ممکن است نقدهایی به آن وارد باشد، از ذکر آیاتی که با این نگاه، جزء قرائن تأیید مضمون عبارت «موتوا قبل ان تموتوا» به شمار می روند، چشم می پوشیم و به همین مقدار بسنده می کنیم.

نکته پایانی در این بخش، تاکید بر آن است که اساساً نتیجه برخی از پژوهش ها نشان می دهد صحت متن، منافاتی با جعل قطعی ندارد. (ر.ک: احمدی، کتاب عرضه حدیث بر قرآن) و در پژوهش های جدید از علوم حدیث، مواردی نشان داده می شود که گرچه خبری از جهت مضمون آسیب های روشنی ندارد، اما در ترکیب آن، جعل و تحریف قطعی صورت گرفته است. (برای نمونه ر.ک لواسانی، «تجمیع اخبار اخلاقی در حدیث یا ابازر»، ش ۱۳۹۹ش) همچنانکه به عنوان مثال، غالیان نیز همواره سعی

^۱ نویسندگان و صاحب نظران بسیاری، روایات متعددی را هم مضمون با تعبیر «موتوا قبل ان تموتوا» دانسته اند که طرح آنها در این مقال، نمی گنجد. روایات «الناس نیام فإذا ماتوا انتبهوا» (سیدرضی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۱۲)، «أَخْرَجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُخْرَجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ»، (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۰)، «یا بنی آدم، إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَعَلُّوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ الْمَوْتِ» (فتال نیشابوری، ج ۲، ص ۴۳۸)، «لَنْ يَلِجَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَنْ لَمْ يُولَدْ مَرَّتَيْنِ». (قیصری، ۱۳۷۵ش، ص ۳۱۵)، «كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ غَائِرٌ سَبِيلٍ، وَعَدَّ نَفْسَكَ مِنْ أَهْلِ الْقُبُورِ» (وزام، ج ۱، ص ۲۸۴) و «قد أحيا عقله و أمارت نفسه حتى دق جليله» (دیلمی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۲۱) نمونه هایی از این مواردند.

^۲ ویلیام چیتیک از اسلام پژوهان و متخصصان عرفان مولوی و ابن عربی در آمریکاست که عمرش را صرف شناساندن فرهنگ و ادب پارسی و عرفان اسلامی به جامعه غرب کرده است. وی نخستین کسی است که صحیفه سجاده را به زبان انگلیسی ترجمه نموده است.

^۳ ر.ک منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، جوادی آملی، ص ۲۳۰-۲۲۳

کرده‌اند تا با سوء استفاده از اخبار عرضه، آیات قرآن را دستمایه جعلیات خود قرار دهند، و نمونه‌های آن در آثار تأویلی نصیری به بسیار است. (به عنوان نمونه، ر.ک باقری، ۱۳۹۸ش، نصیری و انتقال میراث حدیثی غالیان کوفه به شام، بررسی موردی آثار منسوب به محمد بن سنان)

البته در مواردی نیز این ترکیب و تحریف‌ها لزوماً عمدی نیست، و گاه نتیجه سقط اسناد، پدیده ادراج و خلط حواشی و اخبار دیگران با متن حدیث بوده است. بنابراین موافقت با قرآن گرچه در مقام عمل راهگشاست، ولی به تنهایی صدور روایت از معصوم علیه السلام را ثابت نمی‌کند.

۱۱-۲. استشهاد به موافقت با آیات قرآنی

با جستجویی که نگارنده در احادیث معصومین علیهم السلام انجام داد، کم و بیش می‌توان به این نتیجه رسید که در روایات، با زبان‌های مختلف بر مضمون حدیث مورد بحث تأکید شده است. در اینجا تنها به دو مورد از این موارد - که از سایر موارد مهم تر و مطابق تر است - اشاره کرده و آنها را تاحدودی مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

۱۱-۲-۱. بررسی استشهاد به روایت اول: «حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا»

عبارت «حاسبوا/حاسبوها [من] قبل أن تحاسبوا» در منابع متقدم تر زیادی آمده و در دهها منبع عامه، مانند سنن ترمذی (۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۵۴) و مصنف ابن ابی شیبہ کوفی (۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۴۹) آن را به خلیفه دوم منسوب کرده‌اند.

از قرن پنجم «ابن ودعان» تحریری از آن را به ابن عباس نسبت داده، (ابن ودعان، الأربعون، ص ۲۳) و سید رضی هم به امیرالمؤمنین علیه السلام (رضی، خطبه ۹۰)، که وجه هیچ یک معلوم نیست. همچنین برخی آن را به نبی اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند. (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، ص ۱۳؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۵۳) نیز در بیانی از امام صادق علیه السلام نیز وارد شده و شیخ مفید آن را در امالی خود آورده است. (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۲۹)

این سخن از آن جهت بر مرگ اختیاری دلالت دارد که به محاسبه‌ی قبل از حساب پس از مرگ سفارش می‌کند؛ به این معنا که آدمی باید به گونه‌ای به اعمال خود حسابرسی نماید که گویا قیامت فرا رسیده و او باید در پیشگاه عدل الهی پاسخگوی اعمال خود باشد. استناد به این روایت در بحث مرگ ارادی در سخنان برخی مفسران به چشم می‌خورد. (آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۰۲؛ سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۱۵) و اساساً یکی از معانی مرگ ارادی از نگاه اهل معرفت، محاسبه نفس به صورت دائمی پیش از وقوع قیامت است. (رودگر، ۱۳۸۶ش، ص ۲۰)

برخی از مفسران اهل تسنن، اصل حدیث را به صورت «حاسبوا اعمالکم قبل أن تحاسبوا و زنوا أنفسکم قبل أن توزنوا و موتوا قبل أن تموتوا....» آورده‌اند و این گونه برداشت کرده‌اند که اصلاح نفس، در واقع مردن از آنچه هست و تولد به آنچه باید باشد است؛ یعنی صدر حدیث را مفسر ذیل آن دانسته‌اند. (نسفی، ۱۳۶۳ش، ص ۱۳۰) برخی دیگر آن را این گونه نقل کرده‌اند: «موتوا قبل أن تموتوا و حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا» (حقی، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۰) همچنین در برخی از شروح نهج البلاغه،

بدون اسناد به معصوم علیه السلام، آمده است: «و حاسبوا أنفسكم قبل أن تحاسبوا و موتوا قبل أن تماتوا» (بیهقی نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۱۵)

در حالی که چنین نقلهایی از این حدیث در منابع حدیثی شیعه و کتب متقدم اهل تسنن وجود ندارد و از سوی دیگر، چنین برداشتی از آن، صحیح به نظر نمی‌رسد. نکته دیگر اینکه چه بسا این عبارت از نگاه تاریخی، از جهتی بتواند مضعف عبارت «موتوا قبل ان تموتوا» هم باشد، زیرا نقل آن از خلیفه دوم تقدم تاریخی دارد.

۱۱-۲-۲. بررسی استشهاد به روایت دوم از سنن ابن ماجه

در سنن ابن ماجه (۲۳۷ق) - که از قدیمی ترین مجامع حدیثی اهل تسنن است - روایتی آمده است که به لحاظ مضمون و سیاق به حدیث مورد بحث شباهت دارد. در این حدیث که به سند کامل نقل شده، آمده است:

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ ثُمَيْرٍ حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ بُكَيْرٍ أَبُو جَنَابٍ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَدَوِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا وَبَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ قَبْلَ أَنْ تُسْأَلُوا.....» (ابن ماجه، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۳۴۳)

این مضمون با کمی اختلاف به صورت «تَوْبُوا إِلَى رَبِّكُمْ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» نیز نقل شده و پیش از این، به منابع متعددی که آن را نقل کردند، اشاره کردیم. شباهت مضمون این دو عبارت از آن روست که حقیقت توبه همان مرگ است و چنین معنایی در کلمات محققین از علما وجود دارد، زیرا مرگ در حقیقت حیاتی جدید و تولد دیگری برای انسان است، زیرا به واسطه آن، حیاتی جدید برای تائب حاصل می شود که آثار آن در اعمال، حرکات و إعراض او از گناهان، شهوات و متاع اندک دنیا مشاهده می شود و در نتیجه با مراقبه و اخلاص به سوی خداوند سبحان متوجه می گردد. (آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۰۶)

۱۱-۲-۳. بررسی استشهاد به سایر روایات

ممکن است گفته شود تعبیر «موتوا قبل ان تموتوا» هم آوا و هماهنگ با روایت مذکور و سایر احادیثی است که با همین لحن بیان شده، مانند: «وَأَسْمِعُوا دَعْوَةَ الْمَوْتِ آذَانَكُمْ قَبْلَ أَنْ يُدْعَى بِكُمْ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۱۳) یا کلام دیگری که در خطبه متقین نهج البلاغه نیز آمده است: «لولا الآجال الذي كتب الله عليهم لم تستقر أرواحهم في أجسادهم طرفة عين» (خطبه ۱۹۳)، بنابراین یکی از قرائن متنی وضع حدیث یعنی عدم مشابهت با سخن معصومین علیهم السلام در اینجا رخت می‌بندد. ر.ک بستانی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۰۲-۳۰۸) لیکن با توجه به عدم نقل عبارت «موتوا قبل ان تموتوا» در منابع متقدم و از سوی دیگر، وجود حدیث «تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» در قدیمی ترین منابع اهل تسنن، صرف مشابهت این تعابیر در اینجا نه تنها به اعتبار بخشی عبارت «موتوا قبل ان تموتوا» کمک نمی‌کند، بلکه احتمال تصحیف یا تحریف را تقویت می‌کند. از این رو، برخی این گونه حدس زده‌اند که عرفا صورت این روایت را تغییر داده و به شکل «موتوا قبل ان تموتوا» درآورده‌اند و عدم

نقل صورت صحیح حدیث یعنی « تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا » در کتب عرفانی را مؤید حدس مذکور دانسته‌اند. (زاهدی‌فر، ۱۳۹۸، ص ۲۲۹)

لیکن این نظر نیز قابل نقد است، زیرا اولاً شکل ابتدایی حدیث، « توبوا الى الله قبل ان تموتوا » بوده است نه « توبوا قبل ان تموتوا » و بدیهی است که احتمال تغییر ترکیب حدیث درباره نقل دوم آن بیشتر می‌رود، و ثانیاً این سخن که صورت صحیح حدیث، در هیچ‌یک از کتب عرفانی جز احیاء علوم الدین غزالی مورد استشهاد قرار نگرفته، قابل مناقشه است، زیرا ابن عربی در دو موضع از کتاب فتوحات خود آن را نقل کرده است. (۱۴۲۸ق، ج ۴، ص ۵۲۱ و ۵۴۱)

همچنین در برخی دیگر از تفاسیر عرفانی قرن شش می‌توان روایت مذکور را مشاهده کرد. (میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۴۰۸، رسعی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۳۵۶). بنابراین چنین سخنی به یقین می‌بایست به فحصى گسترده‌تر مستند باشد. اما از سوی دیگر، ممکن است بتوان گفت چون کهن‌ترین متنی که این عبارت به عنوان حدیث نبوی در آن به کار رفته، ختم الاولیاء حکیم ترمذی است، احتمال مذکور تقویت می‌شود، زیرا این کتاب کاملاً دارای صبغه عرفانی است. (ترمذی، ۱۴۲۲ق، ص ۵۰۴)

و نکته پایانی در این بخش، آن که حتی سند حدیث « تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا » به قضاوت برخی از حدیث شناسان اهل تسنن، به دلیل وجود « علی بن زید بن جدهان » و « عبدالله بن محمد عدوی » ضعیف است. (ابن ماجه، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۳۴۳)

نتیجه گیری و پیشنهاد ها

۱. مؤیدات از تفسیر آیات و روایات متعددی وجود دارد که می‌تواند با کلیت مضمون عبارت « موتوا قبل ان تموتوا » دارای قرابت باشد و شاید بتوان گفت برخی از آنها دقیقاً بیان کننده همین تعبیرند. لیکن آن مؤیدات نمی‌تواند موجب اعتبار صدور این عبارت باشد زیرا با بررسی منابع گوناگون حدیثی و تاریخی به این نتیجه رسیدیم که اصل حدیث بودن این عبارت قابل اثبات نیست تا بتوانیم معیار مطابقت مضمونی را بر آن به کار ببندیم.
۲. مضافاً بر آن که آنچه از تفاسیر یا روایات که به عنوان شاهد و مؤید مطرح شده است، همه گوی محمل مناقشه و خود نیازمند بررسی‌های دلالتی و متنی‌اند.
۳. از سوی دیگر، اگرچه نمی‌توان گفت کلیت مضمون این حدیث و آنچه عارفان اسلامی در معنای این جمله در نوشته‌ها و گفته‌هایشان آورده‌اند، نادرست است، زیرا فضیلت درک عوالم بعد از مرگ و برطرف شدن حجابها پیش از مرگ طبیعی بدن، امری قابل قبول است، ولی روش عرفا در بهره‌مندی از معیار مقبولیت به گواهی قلبی بر مضمون حدیث، متفاوت از روش فقیهان است و سازگار با مستندات روایی این معیار هم نیست.
۴. همچنین به یقین گستره‌ی معنایی این حدیث به عنوان معیار اصلی در سیر بندگی و عبودیت و تفسیرهای خاصی که توسط عرفا در ذیل آن بیان شده است از جمله تجرید روح و مرگ اختیاری، نمی‌تواند ارتباطی با استنادات و شواهد قرآنی یا روایی داشته باشد.

۵. با این وجود و بدون توجه به مباحث مضمونی حدیث، بررسی‌های سندی، تاریخی و توجه به نقل‌های مشابه، نشان می‌دهد نسبت این تعبیر به پیامبر صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علیه السلام دارای اشکالات تاریخی است.
۶. احتمال تصحیف یا تحریف حدیث «توبوا الی الله قبل ان تموتوا» به «موتوا قبل ان تموتوا» نیز سخنی است که اگرچه برخی بررسی‌های حدیث‌شناسی، آن را تقویت می‌کند، ولی با فحص و جستجوی بیشتر به نظر می‌رسد اثبات آن سازگار با شواهد نیست.
۷. در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهشگران عرصه ی حدیث، با توجه به گستردگی بهره‌مندی از احادیث در متون عرفانی و آسیب‌های روشی عارفان در حدیث‌شناسی - که این مقاله به اثبات یکی از نمونه‌های مهم آن پرداخته بود - در نمونه‌های دیگر نیز این مطالعات را گسترش دهند.
۸. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران عرصه ی عرفان اسلامی، با توجه به بازنگری‌های انتقادی متعدد و فراوانی که در مستندات روایی متون عرفانی انجام شده است، به بررسی آثار و نتیجه‌های این تحقیقات پرداخته و به صورت جزئی تبیین کنند که اثبات جعلی بودن احادیث مورد استناد برخی متون عرفانی، چه تغییراتی در نظام و مبانی یا ریز مسائل عرفان اسلامی داشته است یا می‌تواند داشته باشد.

سپاسگذاری

در پایان از تمام اساتید محترم و گروه رجال و حدیث حوزه علمیه خراسان که در تدوین این اثر از دانش و مهارت آنها بهره‌برداری شده و در پرمایه کردن این پژوهش و پیرایه کردن آن از نواقص تلاش کردند، کمال تشکر و قدردانی را داریم، به ویژه آیت الله حاج مهدی مروارید، حجج الاسلام سید علی دلبری و محمد حسن ربانی بیرجندی (دامت برکاتهم)، و همچنین از حمایت مدرسه عالی فقاقت عالم آل محمد (علیهم السلام) سپاسگذاریم.

فهرست منابع

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، مجلی مرآة المنجفی الکلام و الحکماتین والتصوف، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۷ش
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ش
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۵. ابن حنبل، احمد، المسند، بیروت، دار صادر، بی تا

۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإمتاع بالأربعین المتباینة السماع، ج ۱، محقق: شافعی، محمد حسن، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۷م
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، محاسبة النفس، مصحح: شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، نشر مرتضوی، تهران، ۱۳۷۶ش
۸. ابن عربی، محمد بن علی، الفتوحات، ج ۴، دار صادر، بیروت، ۱۴۲۸ق
۹. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۳، محقق: فؤاد عبدالباقي، محمد، دار احیاء کتب العربیة- دارالفکر، بیروت، ۱۳۷۲ق
۱۰. ابن میثم، میثم بن علی، اختیار مصباح السالکین، محقق: امینی، محمد هادی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۴۰۸ق
۱۱. ابو نعیم، أحمد بن عبد الله، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ق
۱۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الاصول، ج ۱، تحقیق لجنه التحقيق تراث الشيخ الاعظم، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۴۱۹ق
۱۳. انصاریان، حسین، حدیث عقل و نفس آدمی در قرآن، دارالعرفان، قم، ۱۳۸۷ش.
۱۴. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق
۱۵. آملی، حیدر بن علی، تفسیر المحيط الأعظم والبحر الخضم، ج ۲، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۲۲ق
۱۶. ابن باغندی، محمد بن محمد، مسند عمر بن عبدالعزیز، مؤسسه علوم القرآن، دمشق، ۱۴۰۴ق.
۱۷. بستانی، قاسم، معیارهای شناخت احادیث ساختگی، نشر رسش، اهواز، ۱۳۸۶ش
۱۸. بغدادی، اسماعیل، هدیة العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، ج ۱۱، المعارف الجلیلة، استانبول، ۱۹۵۱م
۱۹. بیهقی نیشابوری کیدری، حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه، محمد بن حسین، بنیاد نهج البلاغه، قم، ۱۳۷۵ش.
۲۰. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن، دارالفکر، بیروت-لبنان، ۱۴۰۳ق
۲۱. رمذی، حکیم، ختم الاولیاء، تحقیق عثمان یحیی، بیروت: مهد الآداب الشرقیه، ۱۴۲۲ق
۲۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۱۰ (مبادئ اخلاق در قرآن)، اسراء، ۱۳۷۷ش
۲۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۱۱ (مراحل اخلاق در قرآن)، اسراء، ۱۳۷۷ش
۲۴. چیتیک، ویلیام، درآمدی بر عرفان و تصوّف اسلامی، مترجم: پروین، جلیل، پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ش
۲۵. حسن زاده آملی، حسن، عیون مسایل النفس و سرح العیون فی شرح العیون، نشر امیرکبیر، قم، ۱۳۷۹ش
۲۶. حقّی، إسماعیل بن مصطفی، روح البیان، ج ۳، دار الفکر، بیروت، بی تا

۲۷. ختمی لاهوری، عبدالرحمن بن سلیمان، شرح عرفانی غزلهای حافظ، ج ۴، تصحیح خرمشاهی، بهاء الدین، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۴ش
۲۸. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، ج ۴، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۹۰ق
۲۹. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۱ش
۳۰. خوئی، حبیب الله بن محمد هاشم، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج ۴، مترجم: حسن زاده آملی، حسن؛ کمره ای، محمد باقر، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۰ق
۳۱. رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله، مکتبه الاسدی، مکه، ۱۴۲۹ق
۳۲. رفیعی محمدی، ناصر، درسنامه وضع حدیث، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۴ش
۳۳. سبزواری، عبد الاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۵، ۸، موسسه اهل بیت (ع)، بیروت، ۱۴۰۹ق
۳۴. سبزواری، هادی بن مهدی، شرح اسماء الحسنی، ج ۱، مکتبه بصیرتی، بی تا
۳۵. سبزواری، هادی بن مهدی، شرح نبراس الہدی فی احکام الفقه و اسرارها، مصحح: بیدارفر، محسن، نشر بیدار، قم، ۱۴۲۱ق
۳۶. سنایی، مجدود بن آدم، حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، مصحح: مدرس رضوی، محمد تقی، دانشگاه تهران- مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۷ش
۳۷. سنایی، مجدود بن آدم، جامع الاحادیث، ج ۴، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق
۳۸. شاهرودی، عبدالوہاب، ارغنون آسمانی، کتاب مبین، رشت، ۱۳۸۳ش
۳۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح: صالح، صبحی، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق
۴۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، خصائص الائمة علیهم السلام، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۶ق
۴۱. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، مبدأ و معاد، مصحح: آشتیانی، جلال الدین، انجمن حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۵۴ش
۴۲. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، نشر بیدار، قم، ۱۳۶۶ش
۴۳. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح أصول الکافی، ج ۱، مصحح: خواجوی، محمد، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ش
۴۴. عبدالوہاب، شرح کلمات امیر المؤمنین علیه السلام، ناشر: میر جلال الدین الحسینی الارموی، ۱۳۹۰ق
۴۵. عجلونی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفاء و مزیل الالباس عما اشتهر من الاحادیث علی السنة الناس، دار إحياء التراث العربي، بی تا
۴۶. غیاثی کرمانی، محمد رضا، حکمت عملی، بی تا
۴۷. فضولی بغدادی، محمد بن سلیمان، دیوان فارسی، کنگره بزرگداشت حکیم محمد فضولی، تصحیح مازی اغلو، حسیه، تهران، بی تا
۴۸. فلاته، عمر بن حسن عثمان، الوضع فی الحدیث، مکتبه الغزالی، ۱۴۰۱ق

۴۹. فناری، محمد بن حمزه، مصباح الأنس، مصحح: محمد خواجوی، انتشارات مولی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش
۵۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، سراج السالکین (منتخب مثنوی معنوی)، ج ۱، محقق: جهانبخش، جويا، نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۰ش
۵۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق
۵۲. قاسم پور، محسن، پژوهشی در جریان شناسی تفسیر عرفانی، موسسه فرهنگی هنری ثمین، تهران، ۱۳۸۱ش
۵۳. قاوجی طرابلسی، محمد بن خلیل، اللؤلؤ المرصوع، تصحیح ابوالبقاء، محمد کمال الدین، مطبعة البارونیه، ۱۳۳۱ق
۵۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، مصحح: سیدطیب موسوی جزایری، دارالکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۳ش
۵۵. قیصری رومی، داوود بن محمود، شرح فصوص الحکم، به کوشش: استاد سید جلال الدین آشتیانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ش
۵۶. کحالة، عمررضا، معجم المؤلفین تراجم مصنفی الكتب العربية، ج ۲، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۴ق
۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، مصحح: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق
۵۸. کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۰ق
۵۹. گوهرین، صادق، فرهنگ لغات و تعبيرات مولوی، ج ۲، زوار، ۱۳۶۲ش
۶۰. گیلانی، عبد الرزاق بن محمد هاشم، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، مصحح: مرندی، رضا، نشر پیام حق، ۱۳۷۷ش
۶۱. لاهیجی، محمد بن یحیی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، نشر علم، تهران، ۱۳۷۱ش
۶۲. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی، مصحح: شعرانی، ابوالحسن، المکتبة الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ش
۶۳. مالکی، محمد امیر کبیر، النخبة البهية في الأحادیث المکذوبة علی خیر البرية، المکتب الإسلامي، بی تا
۶۴. مصباح یزدی، محمدتقی، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۴ش
۶۵. مصطفوی، حسن، التحقيق في کلمات القرآن الکریم، ج ۹، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش
۶۶. مصطفوی، حسن، التحقيق في کلمات القرآن الکریم، ج ۹، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش
۶۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۷، ۱۳۸۹ش، نشر صدرا، تهران
۶۸. معتمدی، مسعود، زندگی در زندگی، نشر دانشجو، همدان، چاپ اول، ۱۳۷۹ش

۶۹. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ج ۲، گروه مترجمان، مؤسسه فرهنگی التمهید، قم، ۱۳۷۹ش
۷۰. مفید، محمد بن محمد، الامالی، مصحح: استاد ولی، حسین؛ غفاری، علی اکبر، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق
۷۱. موصلی، ابویعلی، مسند ابویعلی، دارالمأمون للتراث، تحقیق: حسین سلیم اسد، چاپ دوم.
۷۲. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، سرّنی (نقد و شرح تطبیقی و تفسیری)، شارح: زرّین کوب، حسین، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۴ش
۷۳. میرزابابا شیرازی، ابوالقاسم بن عبد النبی، باقری، محمد جعفر، مناهج انوار المعرفة فی شرح مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، ج ۲، نشر خانقاه احمدی، ۱۳۶۳ش
۷۴. میبدی، احمد بن محمد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ق
۷۵. نجم رازی، عبدالله بن محمد، مرصاد العباد بین المبدأ الی المعاد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۱ق
۷۶. نسفی، عزیز الدین بن محمد، زبدة الحقایق، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۶۳ش
۷۷. نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد، آغاز و انجام، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ش
۷۸. نصیری، علی، روش شناسی نقد احادیث، نشر وحی و خرد، قم، ۱۳۹۰
۷۹. نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱ و ۱۲، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ق
۸۰. ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، کتابخانه فقیه، قم، ۱۴۱۰ق
۸۱. هروی قاری، علی بن سلطان محمد، المصنوع فی معرفة الحديث الموضوع، تحقیق عبد الفتاح أبو غدة، مكتبة المطبوعات الإسلامية، حلب

مقالات

۱. ایزد پناه، عباس، مقاله «اثبات صدور حدیث از طریق مضمون شناسی و متن»، علوم حدیث، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۶.
۲. رودگر، محمد جواد، «مرگ اختیاری»، فصلنامه قیسات، سال دوازدهم، زمستان ۱۳۸۶.
۳. زاهدی فر، سیفعلی، «اعتبارسنجی حدیث «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا»»، دوفصلنامه حدیث پژوهی، دوره ۱۱، شماره پیاپی ۲۲، اسفند ۱۳۹۸. <https://doi.org/10.22052/0.22.223>
۴. موسوی، علی عباس، «فقه الحدیث از دیدگاه عرفا»، مترجم: پور مطلوب، عبدالرضا، علوم حدیث، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۵.